

تبیین مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر و تعیین جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

محسن دیبایی صابر -

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های حقوق بشر و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران انجام شد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی شامل تحلیل اسنادی و تحلیل محتواست. جامعه پژوهشی، شامل دو بخش؛ متون مرتبط با حقوق بشر و محتوای چهار سند بالادستی نظام آموزش و پرورش است که با توجه به ماهیت موضوع، از نمونه‌گیری صرف‌نظر شده و کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. ابزارهای اندازه‌گیری، فرم فیش‌برداری و نیز سبانه تحلیل محتوای محقق ساخته بوده است. داده‌های اسنادی به شیوه کیفی و داده‌های تحلیل محتوی با استفاده از شاخص‌های توصیفی در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که: ۱. چارچوب مفهومی حقوق بشر را می‌توان در سه حقوق اساسی، حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تدوین نمود. ۲. در مجموع ۳۶۴ مرتبه به مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده که میزان تراکم آن در مؤلفه حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با ۳۶/۵۳ درصد زیاد و در مؤلفه حقوق مدنی و سیاسی با ۳۰/۲۱ درصد بسیار کم است. ۳. بین اسناد مورد بررسی، بیشترین ضریب اهمیت به سند تحول بنیادین (۰/۵۴۲) و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به سند برنامه درسی ملی (۰/۲۰۲) است.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش؛ اسناد بالادستی؛ حقوق بشر؛ تحلیل محتوا.
پژوهش‌های آموزشی و تربیتی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هزاره سوم میلادی در شرایطی آغاز شده است که جامعه جهانی همچنان با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی روبه‌روست. موارد متعدد نقض حقوق بشر موجب شده است که دولت‌های جهان به فکر یافتن راه‌حلی به‌منظور جلوگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند. براین اساس، کنفرانس ۱۹۹۳ وین، در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، آموزش حقوق بشر، تعلیم و آگاهی‌دادن در این زمینه برای تقویت و تفاهم مشترک، بردباری و صلح بین جوامع را ضروری دانسته است تا از این طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود و زمینه‌ساز مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان گردد (کریستی^۱، ۲۰۱۰).

آموزش حقوق بشر به‌صورت رسمی به‌عنوان یک حق انسانی از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ مورد توجه قرار گرفت (یونیسف، ۲۰۰۷: ۷). برای دگرگونی ارزش‌های افراد و اعضای جامعه بین‌الملل و تحول واقعی آن در راستای احترام به حقوق بشر و اجرای واقعی این حقوق و پیشگیری از نقض آن نمی‌توان فقط به موضوعات و مسائل موقت و کوتاه‌مدت تکیه کرد، بلکه در کنار سایر فعالیت‌ها باید آنها را در نسل‌ها نهادینه ساخت. آموزش حقوق بشر عبارت است از: تعلیم، اشاعه و کوشش‌های اطلاعاتی به‌منظور ساخت یک فرهنگ جهانی حقوق بشر از طریق بیان دانش و سازماندهی گرایش‌های مختلف و بهره‌مندی از مهارت‌های مورد نیاز برای ترویج، حمایت، و کاربست حقوق انسانی در زندگی روزمره (تولمن، ۲۰۰۹ به نقل از فتیحی و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش حقوق بشر جهت تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تسهیل توسعه کامل شخصیت و حیثیت بشری، ترویج تفاهم، احترام، برابری جنسیتی و فعالیت‌های بیشتر سازمان ملل متحد در حفظ صلح، طراحی شده است. اساسنامه یونسکو بیان می‌کند: جنگ در فکر و مغز انسان‌ها شروع می‌شود و بنابراین در فکر انسان‌هاست که نیروهای صلح باید ساخته شود. در تعریف مفهوم حقوق بشر باید گفت تعریف واحدی از مفهوم حقوق بشر ارائه نشده است و این مفهوم بارها بازتعریف شده است. به بیان کلی، حقوق بشر حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می‌شود، یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و

سازوکارها که موضوع آن حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است (فلاورز، ۲۰۰۳؛ توسلی؛ ۲۰۱۰). حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنج‌ها و مشقات ساخته دست انسان‌ها و موانع اجتناب‌پذیری است که با اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و اذیت و همه اشکال سوءرفتار توسط گروه‌های سازمان‌یافته و قدرتمندی از انسان‌ها، به‌وجود آمده است (آقایی، به‌نقل از سلطان‌مرادی و هایلی، ۱۳۹۰).

طبق بیان یونسکو تا زمانی که حقوق بشر در جامعه نهادینه نشده و فرهنگ آن در همه جوامع ایجاد نشود ما همچنان شاهد نقض حقوق بشر در سطحی گسترده خواهیم بود. پژوهش‌ها درباره صلح و آموزش حقوق بشر در غرب آسیا نشان می‌دهد که هرچند بدگمانی و دشمنی دیرینه بین دولت‌ها و تداوم اختلافات و کشمکش‌ها بین دو ملت آموزش صلح و حقوق بشر را با مشکل مواجه می‌سازد؛ اما تلاش‌های مریبان صلح و حقوق بشر در رفع این معضلات بی‌تأثیر نیست و از طریق آموزش می‌توان از نقض حقوق بشر جلوگیری کرده و روابط بین دولت‌ها را بهبود بخشید (فتیحی و همکاران، ۱۳۹۳).

آموزش حقوق بشر، جنبشی برای ارتقای آگاهی درباره حقوق اعلان‌شده توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در واقع آموزش حقوق بشر به روش و راه‌هایی اطلاق می‌شود که بسیاری از افراد برای فهمیدن، عمل و ارزش به حقوق خود و دیگران به کار می‌گیرند. همچنین، برنامه و فعالیت‌های آموزشی در راستای ارتقای برابری، عدالت و کرامت انسانی، یادگیری چندفرهنگی، مشارکت و توانمندسازی گروه اقلیت، گام برمی‌دارند (شکاری و رشیدی، ۱۳۸۰). نکته کلیدی تعریف آموزش حقوق بشر، در هدف آن نهفته است؛ یعنی توسعه فرهنگ حقوق بشر که به روش و محتوای خاصی محدود نمی‌شود. یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی‌ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به‌منظور تحقق یافتن آن، آموزش حقوق بشر ضروری می‌باشد. سیاست‌گذاران بین‌المللی و ملی متفق‌القول به این نتیجه رسیده‌اند که علاج آموزش حقوق بشر در نظام آموزشی است (پیرس^۱، ۱۹۸۷).

این موضوع در نظام آموزش و پرورش ایران نیز در برخی گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، در دورانی که ضرورت ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش کشور در عالی‌ترین سطوح مورد

تأکید قرار گرفته است، شاهد تدوین اسناد و سیاست‌گذاری‌های زیربنایی و بسیار مهمی از جمله «سند چشم‌انداز بیست‌ساله»، «سند نقشه جامع علمی کشور»، «سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت» و «برنامه درسی ملی» هستیم که هدایت‌گر و زمینه‌ساز تحقق تحول بنیادین در عرصه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد، در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را به‌دست آورده و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن چگونگی طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به‌صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید به چشم اندازی معطوف باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. این اسناد بالادستی نقشه راه و قطب‌نمای حرکت نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور محسوب می‌شوند. لذا با توجه به اهمیت این مقوله، پژوهش حاضر درصدد است ضمن تبیین مؤلفه‌های حقوق بشر، به تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران اقدام کند تا از این طریق، ضمن شناسایی و مشخص نمودن وضعیت موجود، تصویر مناسبی در اختیار مسئولان، برنامه‌ریزان و سایر علاقه‌مندان قرار دهد.

براساس بررسی‌های محقق تاکنون پژوهش‌های مختلفی درخصوص مؤلفه‌های حقوق بشر و

جایگاه آن در کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف انجام شده است، ولی پژوهشی که با محوریت مؤلفه‌های حقوق بشر و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش شده باشد، تاکنون انجام نشده است. از جمله پژوهش‌های مربوط به مؤلفه‌های حقوق بشر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فتحی و اجارگاہ و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های حقوق بشر در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» که با روش تحلیل محتوای و براساس تکنیک انتروپی شانون انجام دادند به این نتیجه رسیدند که در کتاب قرآن بیشترین اهمیت به مؤلفه‌های حق آموزش و پرورش، آزادی مذهب،... اختصاص یافته، در کتب درسی تعلیمات اجتماعی نیز بیشترین اهمیت به مؤلفه آزادی مذهب، فکر و وجدان، در کتاب درسی فارسی بخوانیم و کتاب فارسی بنویسیم، بیشترین اهمیت به مؤلفه‌های حق کار و دریافت مزد منصفانه اختصاص دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که علی‌رغم اینکه در کتاب‌های درسی تاحدی به مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده است، ولی میزان توجه به این مؤلفه‌ها به یک میزان نبوده است.

علی‌عسگری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران» که با روش تحلیل محتوا انجام دادند و محتوای ۳۶ جلد کتاب درسی دوره آموزش ابتدایی را مورد تحلیل قرار دادند؛ به این نتیجه رسیدند که در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران، توجه متعادلی به مؤلفه‌های حقوق بشر نشده است. به طوری که بین صفحات کتب درسی این دوره، بیشترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اساسی و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. همچنین براساس ضرایب اهمیت به دست آمده از فراوانی‌ها مربوط به خرده مؤلفه‌ها، بیشترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه حقوق زیست محیطی و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه‌های حق دادخواهی عادلانه و حق مالکیت می‌باشد.

قلناش و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش حقوق بشر در کتاب درسی تعلیمات اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد که در کتاب درسی تعلیمات اجتماعی در مجموع ۴۶/۲۲ درصد در پایه اول راهنمایی، ۳۲/۳۲ درصد در پایه دوم راهنمایی و ۵۲/۸۸ درصد در پایه سوم راهنمایی و ۱۹/۲۳ درصد به بعد شناختی، ۷/۳۴ درصد به بعد عاطفی و ۱۰/۶۵ درصد به بعد عملکردی حقوق بشر توجه شده است.

کولو وستین^۱ در پژوهشی، کتاب‌های درسی پایه چهارم ابتدایی در کشور بوسنی را تحلیل کرد. هدف اصلی پژوهش این بود که چگونه مباحث کتاب‌های درسی را می‌توان با دموکراسی و حقوق بشر مرتبط ساخت. نتایج به‌دست آمده از تحلیل نشان داد که برنامه‌های درسی بر ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر تأکید نمی‌کنند، بنابراین، باید بازبینی شوند.

کارمان کپنکسی^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق اجتماعی در کتاب درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی در ترکیه به این نتیجه رسید که در مجموع تجزیه و تحلیل کتاب‌ها، ۵/۵ درصد به حق برخورداری از سلامت، ۴۷/۱ درصد به حق آموزش و ۲/۴ درصد به حقوق امنیت اجتماعی توجه شده است.

هرشی^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «حمایت از معلمان به‌عنوان متفکران تحول‌آفرین: پژوهش مشارکتی در مورد آموزش حقوق بشر» بر فضای دموکراتیک تأکید می‌کند و معتقد است دانش‌آموزان در مورد مسائلی بحث و مطالعه می‌کنند که در زندگی شخصی‌شان مهم است، حتی وقتی که مکالمات خیلی چالش‌برانگیز باشند.

مرور اسناد و قوانین از این جهت مهم است که فهم شود آیا مشکلات و مسائل مربوط به حقوق بشر به دلیل نبود قانون و جایگاه نازل آن در اسناد و مصوبات است یا بی‌توجهی و ضعف کارکردی نظام‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط تا با بررسی عالمانه آسیب‌ها و شناخت دقیق‌تر دردها به درمان آن مبادرت کرد.

علاوه‌براین، نگاهی گذرا به این اسناد (باتوجه به موارد فوق) نشان‌دهنده آن است که در بعد نظری و از منظر قانون‌گذاری جایگاه رفیع و شایسته‌ای برای حقوق بشر و آموزش آن در نظام آموزشی در نظر گرفته شده است؛ لذا به دلیل تأثیرگذاری بر ذهن و رفتار خیل عظیمی از کودکان و نوجوانان کشور نه تنها باید مهم قلمداد شود، بلکه باید از طریق بررسی محتوایی مشخص نمود که اولاً تا چه اندازه از مؤلفه‌های مربوط به حقوق بشر در این اسناد مورد تأکید قرار گرفته‌اند و ثانیاً این اسناد بر کدام‌یک از مؤلفه‌های مربوط به حقوق بشر بیشترین تأکید را دارند.

1. Kolouh - westin
2. Kepenekci
3. Hersey

اهداف تحقیق

- شناسایی مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر؛
- تعیین میزان انطباق محتوای اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران با مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر؛

سؤالات تحقیق

۱. مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر کدام‌اند؟
۲. به چه میزان در محتوای اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران به مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی شامل؛ تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا^۱ انجام شده، بدین صورت که ابتدا مؤلفه‌های حقوق بشر به کمک روش تحلیل اسنادی از متون نظری و سوابق پژوهشی احصا و سپس میزان توجه به این مؤلفه‌ها در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران، تحلیل محتوا شده است. بیابانگرد (۱۳۸۴) به نقل از کرلینجر^۲ تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است. واحد ثبت در این تحقیق، مضمون است. واحد ثبت به بخش معنی دار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود. روش شمارش نیز، فراوانی است. مقوله‌بندی و تعیین شاخص‌ها در این تحقیق با روش جعبه‌ای است، یعنی طبقات (مقوله‌ها) قبل از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و به همین دلیل به آن، روش ازپیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۸۷).

جامعه پژوهشی در بخش تحلیل اسنادی کلیه متون مرتبط با حقوق بشر بوده و در بخش تحلیل محتوا نیز چهار سند بالادستی نظام آموزش و پرورش (سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران) می‌باشند.

در این مطالعه از نمونه‌گیری صرف نظر شده و کل جامعه آماری موجود و مرتبط در بخش

1. Content Analysis
2. Kerlinger

تحلیل اسنادی بررسی و به علاوه کل متون اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران نیز تحلیل محتوا شده است.

ابزارهای اندازه گیری در بخش تحلیل اسنادی برگه های فیش برداری از اطلاعات و در بخش تحلیل محتوا نیز چک لیست محقق ساخته بوده که به منظور تدوین آن، تعداد قابل توجهی از منابع نظری و پژوهشی مرتبط با حقوق بشر بررسی و مؤلفه های مرتبط به شکل جدول ۲ استخراج شده است.

به منظور حصول اطمینان از وجود روایی^۱، از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده است. به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوا که شامل کلیه مؤلفه های مفهومی مرتبط با حقوق بشر بود، در اختیار گروهی از صاحب نظران تعلیم و تربیت برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال نظر آنها چک لیست تحلیل محتوا در قالب چارچوب مفهومی (جدول شماره ۱) تهیه شد.

برای تأمین پایایی^۲ ابزار، از تکنیک اجرای مجدد استفاده شده است. بدین صورت که فرم نهایی تهیه شده به طور هم زمان و مجزا در اختیار تحلیل گر محتوای متخصص دیگری نیز، قرار داده شد که به طور مجزا، چند بخش از برخی اسناد را تحلیل نمایند. ضریب همبستگی داده های حاصل از تحلیل های انجام شده هم زمان توسط پژوهشگر اصلی و متخصص مذکور، مورد محاسبه قرار گرفت که نتیجه حاصله، مبین ضریب همبستگی ۰/۸۵ بوده است.

داده های اسنادی به شیوه کیفی و داده های تحلیل محتوی با استفاده از شاخص های توصیفی در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون مورد بررسی قرار گرفته اند. البته در این ارتباط ابتدا فراوانی مؤلفه ها در محتوای اسناد بالادستی آموزش و پرورش استخراج و در جدول مربوطه درج شده؛ سپس داده های پژوهش در فرایند تحلیلی آنتروپی شانون (بهنجار کردن داده های جدول فراوانی، محاسبه بار اطلاعاتی مقوله ها و به دست آوردن ضریب اهمیت آنها) تجزیه، تحلیل و توصیف شدند که در ادامه به توضیح مراحل سه گانه آن پرداخته می شود.

مرحله اول: ماتریس فراوانی های جدول فراوانی باید بهنجار شوند که برای اینکار از این رابطه

استفاده می شود:

1. Validity
2. Reliability

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,3,\dots,m, j=1,2,\dots,n)$$

هنجارشده ماتریس فروانی $P =$ فروانی مقوله $F =$ شماره پاسخگو $i =$ شماره مقوله $j =$ تعداد پاسخگو $m =$
 مرحله دوم: بار اطلاعاتی هر مقوله را محاسبه کرده و در ستون‌های مربوطه قرار می‌دهیم و برای این منظور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} L_n P_{ij}] \quad (j=1,2,n) \quad K = \frac{1}{L_n m}$$

هنجارشده ماتریس $P = (1,2,\dots,n)$ $J =$ لگاریتم نپری $L_n =$ شماره پاسخگو $i =$ شماره مقوله $j =$ تعداد پاسخگو $m =$

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها $(i=1,2,\dots,n)$ ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها محاسبه شده و هر مقوله‌ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد، از درجه اهمیت (W_j) بیشتری برخوردار است که برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه زیر استفاده شده است:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

درجه اهمیت $W_j =$ بار اطلاعاتی هر مقوله $E_j =$ تعداد مقوله‌ها $n =$ شماره مقوله $j =$

لازم به ذکر است در محاسبه E_j مقادیر P_{ij} که برابر صفر باشد به دلیل بروز خطا و جواب بی‌نهایت در محاسبات ریاضی با عدد بسیار کوچک $0/00001$ جایگزین شده است، اما J شاخصی است که ضریب اهمیت هر مقوله را در یک پیام با توجه به شکل پاسخگوها مشخص می‌کند. از طرفی با توجه به بردار w ، مقوله‌های حاصل از پیام را نیز رتبه‌بندی می‌کنیم (نوریان، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

۱. مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر کدام‌اند؟

باتوجه به اینکه یکی از اهداف مهم، پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های حقوق بشر است، پس از مطالعه و بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش در این زمینه، باتأکید بر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰؛ به نقل از عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۵)، علی‌عسگری و همکاران (۱۳۹۲)، فتحی و اجارگاه و همکاران (۱۳۹۳) مؤلفه‌های اصلی این پژوهش شناسایی و دسته‌بندی شد و در اختیار متخصصان حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفت و پس از چند مرحله بررسی و اصلاح، نهایتاً چارچوب مفهومی مؤلفه‌ها به شکل جدول شماره ۲ تدوین شد.

جدول ۱. مؤلفه‌های حقوق بشر

مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های حقوق بشر
حقوق اساسی	مؤلفه‌های حقوق بشر
حقوق مدنی و سیاسی	
حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی	

جدول ۲. خرده مؤلفه‌های حقوق اساسی

مؤلفه	خرده مؤلفه
حقوق اساسی	حقوق زیست‌محیطی
	حق برابری
	حق امنیت
	حق آزادی بیان و عقیده
	حق آزادی مذهب، تفکر و وجدان
	حق دفاع از سلامتی
	منع توقیف خودسرانه، حبس و تبعید
	حق حیات و کرامت

جدول ۳. خرده مؤلفه‌های حقوق مدنی

مؤلفه	خرده مؤلفه
حقوق مدنی و سیاسی	حق دادخواهی و دسترسی عادلانه
	حق حاکمیت ملی
	منع بردگی و خرید و فروش انسان
	حقوق اقلیت‌ها
	حق پناهندگی
	حق حمایت قانون
	حق حیات و کرامت عدم مداخله در امور خصوصی
	حق احترام و حمایت از حریم خصوصی

جدول ۴. خرده مؤلفه‌های حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

مؤلفه	خرده مؤلفه
حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی	حق کار و اشتغال
	حق آموزش و پرورش
	حق برخورداری از حمایت اجتماعی
	حق ازدواج و تشکیل خانواده
	حق انتخاب آزاد محل زیست و اجازه خروج از کشور
	حق تفریح و سلامت
	حق تشکیل اجتماعات
	حق مالکیت
	توجه به حقوق زنان

۲. به چه میزان در محتوای اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران به مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده است

جدول ۵. نتایج تحلیل مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

مجموع	برنامه درسی		سند تحول بنیادین	نقشه جامع علمی کشور	سند چشم‌انداز بیست ساله	خرده مؤلفه‌های حقوق بشر
	ملی	فراوانی				
۳۳/۲۴	۱۲۱	۳۲	۴۲	۳۲	۱۵	حقوق اساسی
۳۰/۲۱	۱۱۰	۱۲	۳۶	۳۵	۲۷	حقوق مدنی و سیاسی
۳۶/۵۳	۱۳۳	۱۹	۴۸	۳۳	۳۳	حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی
۱۰۰	۳۶۴	۶۳	۱۲۶	۱۰۰	۷۵	مجموع
	۱۰۰	۱۷/۳۰	۳۴/۶۱	۲۷/۴۷	۲۰/۶۰	

نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که از مجموع ۳۶۴ فراوانی مرتبط با مؤلفه‌های حقوق بشر ۱۲۱ فراوانی (۳۳/۲۴ درصد) در خرده مؤلفه حقوق اساسی، ۱۱۰ فراوانی (۳۰/۲۱) در خرده مؤلفه حقوق مدنی و سیاسی، ۱۳۳ فراوانی (۳۶/۵۳ درصد) در خرده مؤلفه حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است.

همچنین مشخص شد که در اسناد بالادستی به صورت متفاوتی به مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده است. میزان توجه بدین صورت است که در سند چشم‌انداز بیست ساله ۷۵ فراوانی (۲۰/۶۰)، در نقشه جامع علمی کشور ۱۰۰ فراوانی (۲۷/۴۷)، در سند تحول بنیادین ۱۲۶ فراوانی (۳۴/۶۱) و در برنامه درسی ملی ۶۳ فراوانی (۱۷/۳۰) به مؤلفه‌ها اختصاص داده شده است.

در جدول ۹ داده‌های بهنجار شده توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران آمده است.

جدول ۶. داده‌های بهنجار شده توجه به خرده مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران				خرده مؤلفه‌های حقوق بشر
برنامه درسی ملی	سند تحول بنیادین	نقشه جامع علمی کشور	سند چشم‌انداز بیست ساله	
۰/۱۷۲	۰/۷۲۱	۰/۱۲۳	۰/۰۴۷	حقوق اساسی
۰/۱۶۲	۰/۶۳۲	۰/۴۳۲	۰/۲۱۲	حقوق مدنی و سیاسی
۰/۴۲۱	۰/۸۹۱	۰/۳۴۱	۰/۱۰۸	حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

پس از بهنجار (نرمال) سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ) هر یک از مؤلفه‌ها به دست می‌آید، که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۷. مقدار بار اطلاعاتی مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران	سند چشم انداز بیست ساله	نقشه جامع علمی کشور	سند تحول بنیادین	برنامه درسی ملی
بار اطلاعاتی (EJ)	۰/۵۵۶	۰/۷۱۲	۰/۸۰۳	۰/۴۲۹

در مرحله پایانی ضریب اهمیت توجه به خرده مؤلفه‌های حقوق بشر با استفاده از فرمول مرحله سوم روش آنتروپی شانون محاسبه شده که آن هم در جدول زیر آمده و هر بُعدی که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت (WJ) بیشتری برخوردار است. نتایج جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۲ نشان می‌دهند که از بین اسناد بالادستی آموزش و پرورش بیشترین ضریب اهمیت مربوط به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۰/۵۴۲) و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به سند برنامه درسی ملی (۰/۲۰۲) بوده است.

جدول ۸. مقدار ضریب اهمیت توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران	سند چشم انداز بیست ساله	نقشه جامع علمی کشور	سند تحول بنیادین	برنامه درسی ملی
ضریب اهمیت (WJ)	۰/۳۱۲	۰/۴۰۳	۰/۵۴۲	۰/۲۰۲

بحث و نتیجه گیری

آموزش حقوق بشر مهمترین عامل در جامعه پذیری افراد نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری محسوب می‌شود. آموزش کلید بر پا ساختن و تقویت حکومت مبتنی بر دموکراسی است. آموزش و پرورش به عنوان یک سرمایه گذاری بزرگ اجتماعی، باید باعث افزایش صلاحیت افراد و در نتیجه باعث افزایش بهره‌وری در زندگی اجتماعی شود و بهره‌وری خود نیز باعث بهزیستی و رفاه بشر می‌شود. کلیوبک بر این عقیده است که مدرسه بهتر می‌تواند نقش ویژه خود را در نیل به تحقق رفاه بشر و در بطن آن برنامه‌های درسی که به‌طور گسترده بر آموزش شخصی اجتماعی

تأکید نماید، ایفا کند. اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش، به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین متون اثرگذار و جهت‌دهنده در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، با توجه به مخاطبان فراوان و مستعدی که دارد و با توجه به رسالت‌های آموزشی و پرورشی خود (ترسیم نقاط راهبردی، روشن کردن افق‌های آتی، شکل‌دهی ایدئال‌ها و ترسیم انسان مورد انتظار)، باید توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر را جزء اصلی‌ترین و محوری‌ترین رسالت‌های خود قرار دهد. این ضرورت، که برخاسته از نقش تعلیم و تربیت است، زمانی احساس می‌شود که یکی از وظایف اصلی این اسناد را سیاست‌گذاری جهت پرورش دانش‌آموزانی بدانیم که همواره در راستای احیای فطرت الهی خود کوشا هستند.

نتایج پژوهش حاضر که با هدف شناسایی مؤلفه و خرده مؤلفه‌های حقوق بشر و تعیین جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران انجام شده بود، نشان داد که در مجموع ۳۶۴ مرتبه به مؤلفه‌های حقوق بشر توجه شده که در میان مؤلفه‌های مورد بررسی خرده مؤلفه حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با ۱۳۳ فراوانی و ۳۶/۵۳ درصد بیش‌ترین و خرده مؤلفه حقوق مدنی و سیاسی با ۱۱۰ فراوانی و ۳۰/۲۱ درصد کم‌ترین میزان توجه را داشته‌اند، این نوع توجه می‌تواند به دلیل تفاوت در ماهیت، هدف و حجم اسناد بالادستی باشد. همچنین نتایج بررسی و تحلیل میزان توجه در اسناد مورد بررسی که در فرایند چهارمرحله‌ای آنتروپی شانون انجام پذیرفت، حاکی از آن است که میزان بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با (۱۲۶ فراوانی) به ترتیب ۰/۸۰۳ و ۰/۵۴۲، نقشه جامع علمی کشور (۱۰۰ فراوانی) ۰/۷۱۲، ۰/۴۰۳، سند چشم‌انداز بیست‌ساله (با ۷۵ فراوانی)، ۰/۵۵۶، ۰/۳۱۲ و برنامه درسی ملی با (۶۳ فراوانی) به ترتیب ۰/۴۲۹ و ۰/۲۰۲ است. چنین توجهی می‌تواند به دلایلی همچون؛ نگرش برنامه‌ریزان درسی، ترجیحات مؤلفان اسناد بالادستی، محدودیت در حجم اسناد و تلقی کافی بودن فراوانی‌های بیان شده باشد. یافته‌های مرتبط با وضعیت مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که به برخی از مؤلفه‌ها توجه بسیار ناچیزی شده است. علت این نوع از نارسایی را می‌توان در دو بخش عملی و نظری جستجو کرد. این از آن جهت است که مؤلفه‌های حقوق بشر، تاروپودی درهم تنیده از عمل و نظر است، برخی از نارسایی‌های آن، نتیجه کج‌روی در عرصه و روابط عملی و برخی حاصل کج‌اندیشی در مقام نظر است. با توجه به تعامل و درهم‌تنیدگی عمل و نظر، ضعف‌های موجود در اسناد بالادستی شکل بسیط نظری یا عملی ندارد، بلکه به‌صورت بافت‌های پیچیده، آشکار می‌شوند که در آنها اعمال و

اندیشه‌ها، یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کند.

نارسائی موجود می‌تواند بخش‌های مختلف آموزش و پرورش را تحت الشعاع قرار داده و آثار و پیامدهای نامطلوبی را به ترتیب در سیاست‌های کلان نظام، اهداف دوره‌های تحصیلی، اهداف دروس ارزشی مرتبط، سازوکارهای تأمین منابع انسانی متعهد، تأمین منابع مالی و کالبدی مکفی ایجاد نماید.

از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به عدم وجود پیشینه مرتبط با موضوع (جهت مقایسه یافته‌ها با آنها) و تحلیل کمی اطلاعات اشاره کرد. از این رو آنچه که ارائه شده است پژوهشی بکر و مقدماتی برای تحلیل جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران است، معرفی جامع هریک از مؤلفه‌ها و همچنین تحلیل کیفی آنها نیازمند پژوهش‌های جدیدی است که پژوهشگران حوزه مطالعات برنامه درسی باید در تحقیقات آتی خود به آنها بپردازند تا در نهایت به بهبود وضعیت موجود منجر شود.

در ادامه، برای عملیاتی ساختن یافته‌ها برخی از پیشنهادها کاربردی ارائه می‌شود:

۱. سیاست‌گذاران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی در ویراست‌های آتی اسناد بالادستی به مؤلفه‌های کم‌تر توجه شده به عنوان حلقه‌ای مفقوده، عنایت بیشتری داشته باشند.

۲. طراحی بسته‌ها و نرم‌افزارهای مرتبط با مؤلفه‌های حقوق بشر؛ که می‌تواند به عنوان مکمل اسناد بالادستی مورد استفاده قرار گیرد.

۳. با توجه به کاستی‌های موجود در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران، متصدیان آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های حقوق بشر را برای عواملان برنامه درسی تشریح نمایند تا آنان در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون موضوع را برای معلمان تبیین نمایند.

منابع

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ترجمه علی میرزایی و رضا رضایی (۱۳۷۷)، نگاه نو، ش ۳۷: ۱۹۶ - ۱۹۰.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: دوران.
- سلطان‌مرادی، محمد و هابیلی، محمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در نهج البلاغه، مطالعات تفسیری، سال دوم، ش ۵: ۹

شکاری احمد و حاجی‌رشیدی رضا (۱۳۸۸)، بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر در برنامه درسی دوره متوسطه ایران، فصلنامه نوآوری‌های پژوهشی، دوره ۲۴، ش ۷.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، تهران.
 علی‌عسگری مجید؛ چهارباشلو حسین و عطاران عاطفه (۱۳۹۲)، جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران، دوفصلنامه نظره و عمل در برنامه درسی، سال اول، ش ۱، ۱۶۸ - ۱۴۷.

عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی محمد مهدی (۱۳۸۵)، حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۴: ۱۸۹ - ۱۶۱.

فتحی واجارگاه کوروش؛ شمس مورکانی غلامرضا؛ لورائی محمدرضا و عقیلی سیدرمضان (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های حقوق بشر در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۴۹، سال سیزدهم.

نوریان، محمد (۱۳۸۷)، تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی با تأکید بر کتاب‌های درسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

یونسکو و آموزش حقوق بشر (۱۳۸۸)، پروژه آموزش حقوق بشر در وزارت آموزش و پرورش.

Christie, P. (2010). The complexity of human rights in global times: The case of the right to education in South Africa. *International Journal of Educational Development*, 30(1).

Pearse, S. (1987). European teachers' seminar on 'human rights education in a global perspective. Strasbourg, Austria: Council of Europe

Flowers, N. (2003). *The Human Rights Education Handbook: Effective Practices for Learning, Action, and Change*. Human Rights Education Series, Topic Book. Human Rights Resource Center, University of Minnesota, 229 19th Avenue South, Room 439, Minneapolis, MN 55455.

Kepeneci, Y. K. (2010), Children's social rights in social studies textbooks in Turkish elementary education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 576-58

Hersey, P. E. (2012). *Supporting Teachers as Transformative Intellectuals: Participatory Action Research in Human Rights Education*. ProQuest LLC, Ed.D. Dissertation. University of San Francisco

Kolouh -Westin L. Education and Democracy in Bosnia and Herzegovina, *International Journal of Educational Development*. 2004.24(5):495-509

